نگاهی به فعالیت «شبکه‌های غیرمتمرکز» عمدتاً شیعی، مرتبط با جمهوری اسلامی در آلمان

حنیف حیدرنژاد

مهر ۱۴۰۵ / اکتبر ۲۰۲۶

- *نقش «لولاگونه» چپ ضدامپریالیستی در برقراری ارتباط میان گروه‌های مختلف غیرمذهبی و انتقال روایت‌های جمهوری اسلامی به جامعه آلمان*
- *تقسیم کار سه‌لایه میان جمهوری اسلامی، نیروهای شیعه غیرایرانی و نیروهای غیرمذهبیِ ضداسرائیلی ـ ضدآمریکایی*
- *جایگزینی «شبکه‌های غیرمتمرکز فراملی» در فقدان فرماندهی متمرکز*

حنیف حیدرنژاد- روز دوم اکتبر ۲۰۲۶ و در آستانه ۷ اکتبر، سالروز حمله تروریستی حماس به اسرائیل، دو انجمن غیردولتی در آلمان، به نام‌های «مرکز رسانه و دموکراسی» با حروف اختصاری **democ** و «دفتر کمیته یهودیان آمریکا در آلمان» با حروف اختصاری **AJC**، نتیجه یک پژوهش مشترک جدید خود را **منتشر کردند**.

این پژوهش با عنوان «**پس از ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ(IZH) ؛ شبکه‌های غیرمتمرکز، حوزه‌های نفوذ جدید و تاب‌آوری اسلامگرایی شیعه دوازده‌امامی در آلمان**» در ۴۰ صفحه منتشر شده است.

انجمن **democ** جریان‌های ضددموکراتیک را بررسی، مستندسازی و تحلیل می‌کند. فعالیت‌های آن حوزه‌هایی مانند راست افراطی، یهودستیزی و اسلامگرایی را دربرمی‌گیرد.

موسسه **AJC** برلین، بخشی از شبکه بین‌المللی این سازمان یهودی ـ آمریکایی است که در زمینه مبارزه با یهودستیزی، حفاظت از جوامع یهودی و مسائل مربوط به امنیت و سیاست خاورمیانه فعالیت می‌کند.

منابع و روش پژوهش

گزارش منتشرشده این دو نهاد صرفاً بر اظهارنظرهای سیاسی یا گزارش‌های رسانه‌ای تکیه ندارد. نویسندگان اعلام کرده‌اند که برای بررسی شبکه‌ها از اسناد ثبت انجمن‌ها، تصمیمات قضایی، گزارش‌های نهادهای دولتی و امنیتی، مشاهده مستقیم تجمعات و بررسی شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. همچنین، در موارد مختلف، به اسناد دادگاه‌ها، پرونده‌های ثبت انجمن‌ها، گزارش‌های سازمان‌های امنیتی و مطالب منتشرشده توسط خود گروه‌ها استناد شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم پژوهش آن است که موضوع ارتباطات بین زیرشبکه‌ها، نقش‌ها، رفت‌وآمدها و همکاری‌های میان گروه‌های مختلف را بررسی می‌کند.

آنچه در پی می‌آید، **بررسی تحلیلی** گزارش فوق است.

موضوع اصلی پژوهش چیست؟

موضوع اصلی گزارش، بررسی وضعیت اسلامگرایی شیعه دوازده‌امامی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در آلمان پس از **ممنوعیت «مرکز اسلامی هامبورگ»**(IZH) ، معروف به مسجد آبی یا مسجد امام علی، در سال ۲۰۲۴ است.

گزارش تأکید می‌کند که این جریان را نباید با کل جامعه شیعیان آلمان یکی دانست. منظور پژوهش، جریان مشخصی از اسلامگرایی شیعه دوازده‌امامی است که نقطه مرجع ایدئولوژیک آن جمهوری اسلامی و، به‌ویژه، نظریه «ولایت فقیه» است. نویسندگان، این شبکه را یک شبکه «فراملی» می‌دانند که از بخش‌های نسبتاً مستقل ایرانی، لبنانی، آذری و ترک تشکیل شده است. (گزارش مشخص نکرده است که وقتی از ترک‌ها یا آذری‌ها صحبت می‌کند، آیا منظورش افرادی با تابعیت ترکیه و آذربایجان است یا آنکه منظور دیگری دارد. این یکی از ضعف‌های گزارش است.)

گزارش در مورد شیعه دوازده‌امامی و ولایت فقیه می‌نویسد:

«شیعه اثنی‌عشری با حدود ۱۰ درصد از تمام مسلمانان جهان، پس از اهل سنت، دومین مذهب بزرگ اسلام را تشکیل می‌دهد. یکی از جریان‌های سیاسی شیعه اثنی‌عشری، اسلامگرایی شیعه اثنی‌عشری است؛ نقطه مرجع ایدئولوژیک

محوری آن، آموزه «ولایت فقیه» (حکومت فقیه) است که توسط روح‌الله خمینی تدوین شد. ولایت فقیه، اقتدار فقیه (حقوقدان اسلامی) را بر تمام حوزه‌های جزئی دینی، سیاسی و اجتماعی در چارچوب یک دولت اقتدارگرا و اسلام‌گرا تبلیغ می‌کند. یهودستیزی و نابودی دولت اسرائیل از عناصر ایدئولوژیک اساسی این اسلام‌گرایی دولتی ایرانی به‌شمار می‌روند. این آموزه که در درون شیعه اثنی‌عشری به‌شدت مورد مناقشه است، با انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ به دکترین دولتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. از آن زمان، جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین نقطه مرجع نهادی اسلام‌گرایی شیعه اثنی‌عشری را تشکیل می‌دهد.

این حکومت با اصل «صدور انقلاب»، آن هدف را دنبال می‌کند که این ایدئولوژی را در سطح بین‌المللی تثبیت کند و کنشگران نزدیک به آن را حمایت نماید. این راهبرد به‌ویژه در لبنان موفق بود، جایی که حزب‌الله به مهم‌ترین متحد غیردولتی ایران تبدیل شد. جمهوری اسلامی ایران به این ترتیب شبکه‌ای فراملی از اسلام‌گرایی متشکل از احزاب، جنبش‌ها و سازمان‌های مسلح را هدایت می‌کند.»

پیوندهای ایدئولوژیک

گزارش در مورد پیوند ایدئولوژیک گروه‌های غیرایرانی مورد بررسی با حکومت ایران می‌نویسد:

«شبکه آذری ـ ترکی علاوه بر پیوندهای سازمانی‌اش با ساختارهای پیرامون مرکز اسلامی هامبورگ(IZH) ، با ارجاعات ایدئولوژیک واضح به جمهوری اسلامی ایران و آموزه ولایت فقیه نیز مشخص می‌شود. گزارش، برای نمونه، جهت‌گیری ایدئولوژیک یکی از رهبران آذری ـ ترکی و اثری از او به زبان آلمانی درباره ولایت فقیه را که در انتشارات اسلامیکا وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ منتشر شده است، می‌آورد:

«نظام ولایت فقیه که اسلام سیاسی را دوباره بر دستور کار آورد و دکترین سیاسی ـ اسلامی را در بازار سیاسی جهان به عمل درآورد، نشان می‌دهد که امت اسلامی گام بزرگی در جهت ایجاد یک جامعه سیاسی برداشته و راهی بازگشت‌ناپذیر را در پیش گرفته است. نظام ولایت فقیه را می‌توان آموزه سیاسی اسلام در زمان غیبت توصیف کرد. ما بر این باوریم که ولایت فقیه جریانی سیاسی جدید برای تمام جهان است، برای مسلمانان به‌طور کلی و شیعیان که این نظام امت اسلامی را ارائه و دفاع می‌کنند.»

گزارش تأکید دارد: این اظهارات روشن می‌سازد که دکترین دولتی حکومت ایران نه تنها به‌عنوان مدل قانون اساسی خاص ایران فهمیده می‌شود، بلکه به‌عنوان مفهومی سیاسی و جهان‌شمول برای بشریت به‌طور کلی.

اهمیت مرکز اسلامی هامبورگ(IZH)

بر اساس گزارش، مرکز اسلامی هامبورگ بسیار فراتر از یک مسجد یا انجمن مذهبی بود. این مرکز برای دهه‌ها مهم‌ترین نقطه اتصال جمهوری اسلامی با شبکه اسلام‌گرایی شیعه دوازده‌امامی در آلمان و اروپا محسوب می‌شد.

گزارش برای مرکز اسلامی هامبورگ چند نقش اساسی قائل است:

- آموزش و اعزام روحانیون از ایران و لبنان؛
- ایجاد و تقویت ساختارهای محلی مذهبی؛
- ایجاد ارتباط میان روحانیون و شبکه مرکزی؛
- انتقال اطلاعات و هماهنگی با نهادهای حکومتی ایران و حزب‌الله لبنان؛
- تأمین و انتقال منابع مالی برای ایجاد و توسعه جوامع و مراکز جدید؛
- خرید و توسعه ساختمان‌های مسجد و انجمن‌ها؛
- و در سطحی گسترده‌تر: شکل‌دهی ایدئولوژیک و بسیج سیاسی.

گزارش همچنین یادآوری می‌کند که پس از انقلاب ۱۹۷۹، مدیران این مرکز همزمان نمایندگان رهبر جمهوری اسلامی در اروپا بودند و مستقیماً از رهبر جمهوری اسلامی دستور می‌گرفتند. بنابراین، یک نهاد مستقل مذهبی صرف نبود، بلکه در ساختار نفوذ جمهوری اسلامی جایگاهی مستقیم داشت.

اگرچه ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ در ژوئیه ۲۰۲۴ یک ضربه جدی بود، اما گزارش تأکید می‌کند که این ضربه به معنای نابودی شبکه نبود.

خلأ مرکز اسلامی هامبورگ چگونه پر شد؟ اهمیت فرانکفورت

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش این است که پس از کاهش نقش هامبورگ، فرانکفورت در ایالت هِسن به یکی از مراکز مهم جدید این شبکه تبدیل شده است. نویسندگان، شبکه مورد بررسی را شبکه‌ای «فراملی» می‌دانند که شامل بخش‌هایی از ایرانیان هوادار حکومت، لبنانی‌ها، آذری‌ها و ترک‌هاست.

در اینجا، به‌ویژه دو ساختار شبکه آذری ـ ترک مورد توجه قرار می‌گیرند. گزارش نشان می‌دهد پس از تعطیلی هامبورگ، فرانکفورت فقط جایگزین جغرافیایی هامبورگ نیست؛ بلکه به یکی از نقاط اتصال شبکه‌های مختلف تبدیل شده است.

از روز قدس تا «محور مقاومت»

یکی از عرصه‌هایی که گزارش برای مشاهده این شبکه انتخاب کرده، راهپیمایی روز قدس در فرانکفورت است. گزارش، روز قدس را بخشی از شبکه تبلیغاتی بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌داند و نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته تصاویر خمینی و خامنه‌ای و همچنین نمادهای مرتبط با «هلال شیعی» در این تجمعات دیده شده‌اند.

اما پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، استراتژی تغییر کرده است. برای مثال، در سال ۲۰۲۴ به جای استفاده مستقیم از عنوان «روز قدس»، از شعار «توقف نابودی فلسطین! تظاهرات بزرگ برای غزه» استفاده شد.

به این ترتیب، وجه صریحاً اسلام‌گرایانه مراسم کاهش یافت و امکان پیوند آن با بخش‌هایی از جریان چپ ضدامپریالیست و جنبش فلسطین بیشتر شد. گزارش اشاره دارد که در همان سال، تظاهرات حدود ۷۰۰ شرکت‌کننده داشت که بالاترین میزان ثبت‌شده در این روند بود. برای نخستین بار گروه‌هایی مانند «چپ انقلابی ایالت هِسن» (Revolutionäre Linke Hessen) و گروه «آزادی فلسطین» (Free Palestine FFM) نیز در شبکه‌های اجتماعی برای شرکت در آن فراخوان داده بودند.

این نکته یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش است: برای گسترش دامنه اجتماعی، شبکه فقط به هویت شیعی یا ایرانی تکیه نمی‌کند، بلکه پیام خود را به زبان‌های سیاسی دیگری، از جمله «فلسطین» و «ضد امپریالیسم»، بازتعریف می‌کند.

روز قدس و قاسم سلیمانی

روز قدس در گزارش جایگاهی محوری دارد. این مناسبت طی چند دهه یکی از مهم‌ترین بسترهای سازماندهی و نمایش عمومی شبکه‌های اسلام‌گرای شیعه نزدیک به جمهوری اسلامی در آلمان بوده است.

گزارش به یکی از فعالان قدیمی شبکه ترک‌ها اشاره می‌کند که در راهپیمایی‌های روز قدس در فرانکفورت سخنرانی کرده است. او در سال ۲۰۲۱ به همراه جمع کوچکی در مراسم بزرگداشت قاسم سلیمانی در برلین و در برابر دروازه براندنبورگ شرکت کرده بود. عکس‌های مربوط به تظاهرات و تجمعات که توسط شبکه تلویزیونی جمهوری اسلامی پوشش داده شده‌اند، در گزارش دیده می‌شوند.

این موارد نشان می‌دهند که بزرگداشت قاسم سلیمانی و روز قدس اصلا مناسبت‌هایی مذهبی نیستند؛ بلکه می‌توانند به‌عنوان مناسبت‌های سیاسی برای گردآوری و سازماندهی نیرو عمل کنند.

نقش چپ ضدامپریالیست

به گفته نویسندگان گزارش، از سال ۲۰۲۳ تماس و همکاری میان شبکه‌های اسلام‌گرای شیعه و بخش‌هایی از چپ ضدامپریالیست افزایش یافته است. نقاط اتصال سیاسی ـ ایدئولوژیک عبارت‌اند از:

- مخالفت با اسرائیل؛
- ضدصهیونیسم؛
- مخالفت با غرب و «امپریالیسم» و ضدیت با آمریکا؛
- حمایت از فلسطین؛
- و تصویر کردن جمهوری اسلامی و «محور مقاومت» به‌عنوان بخشی از یک جبهه ضدامپریالیستی.

گزارش تأکید می‌کند که این همکاری لزوماً به معنای آن نیست که همه کسانی که در چنین ائتلاف‌هایی حضور دارند، با تمام مبانی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی موافق‌اند. مسئله این است که برخی بازیگران سیاسی می‌توانند روایت‌های جمهوری اسلامی را از بستر اسلام‌گرایانه اولیه خارج کرده و در قالب ادبیات ضدامپریالیستی وارد محیط‌های سیاسی و اجتماعی دیگری کنند.

کدام بخش از چپ؟

گزارش، «سازمان کمونیستی» (Kommunistische Organisation-KO) را نمونه‌ای از یک «Multiplikator» یا «ضریب‌دهنده/انتقال‌دهنده سیاسی» معرفی می‌کند؛ یعنی سازمانی که به لحاظ تعداد اعضا الزاماً بزرگ نیست، اما برخی اعضای فعال آن در شبکه‌های گسترده‌تر چپ و گروه‌های همبستگی با فلسطین حضور دارند و می‌توانند پیام‌هایی را به مخاطبانی بسیار فراتر از سازمان خود در جامعه آلمان منتقل کنند. گزارش در توصیفِ دقیق تر نقشِ «سازمان کمونیستی»، آن را «واسط/لولا» میان جمهوری اسلامی، شبکه‌های اسلام‌گرای شیعه و نیروهای چپ غیر مذهبی و چپ ضدامپریالیست معرفی می‌کند.

گزارش به بیانیه‌های KO در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ اشاره می‌کند؛ از جمله بیانیه‌ای با عنوان «همبستگی با جمهوری اسلامی ایران» و بیانیه‌ای با عنوان «ایران از غرب آسیا در برابر امپریالیسم دفاع می‌کند!»

گزارش تحلیل می کند، آنها جمهوری اسلامی را عمدتاً نه به‌عنوان یک حکومت اقتدارگرای اسلام‌گرا، بلکه به‌عنوان بخشی از یک «مقاومت جهانی» علیه امپریالیسم غربی و اسرائیل تصویر می‌کنند.

به این ترتیب، توجیه سیاسی این بخش از چپ برای حمایت از جمهوری اسلامی نه دفاع از «اسلام سیاسی» به معنای مستقیم آن، بلکه ضدیت با امپریالیسم، مخالفت با اسرائیل و حمایت از جبهه‌ای است که آن را «مقاومت» در برابر غرب می‌داند. و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که همگرایی میان دو جریان، با وجود تفاوت‌های عمیق ایدئولوژیک آنها، امکان‌پذیر می‌شود.

حمایت از رژیم ایران چگونه در این ائتلاف توجیه می‌شود؟

گزارش، برای نمونه، تجمع ۸ مارس ۲۰۲۶ در فرانکفورت با شعار «دست از سر ایران بردارید ـ تجاوز آمریکا و اسرائیل را متوقف کنید» را مورد بررسی قرار می‌دهد.

این تجمع حدود ۵۵۰ نفر شرکت‌کننده داشت و از سوی «مجمع اسلامی ایالت هِسن» (Religionsgemeinschaft Hessen-IRH) و انجمن «کارگاه صلح و آینده» (Friedens- und Zukunftswerkstatt e.V.) و در ارتباط با ویلی فان اُوین(Willi van Ooyen) ، نماینده پیشین حزب چپ آلمان در پارلمان ایالتی هِسن، سازماندهی شده بود. در آن، نیروهایی از شبکه ترک ـ آذری‌ها و نیز فعالان نزدیک به حکومت ایران حضور داشتند.

این مورد به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه اعتراض علیه حمله آمریکا و اسرائیل می‌تواند به بستری برای نمایش حمایت از جمهوری اسلامی تبدیل شود. در همان تجمع شعارهایی مانند «ما در خدمت تو هستیم، ای خامنه‌ای!» و

«ایران تا پیروزی!» و «مقاومت تا پیروزی!» سر داده شد و در ادامه شعار «مرگ بر اسرائیل» به فارسی نیز مطرح شد؛ پلیس در نهایت راهپیمایی را پیش از رسیدن به مقصد نهایی متوقف کرد.

گزارش به‌روشنی نشان می‌دهد که مخالفت با حمله آمریکا و اسرائیل، حمایت از رژیم ایران و دفاع از «محور مقاومت» در برخی از این تجمعات به هم پیوند خورده‌اند.

سال ۲۰۲۶؛ تغییر مهم در آرایش نیروها

شاید مهم‌ترین بخش گزارش مربوط به روز قدس ۲۰۲۶ در فرانکفورت باشد.

در این سال، نقش‌های سازمانی تا حدی تغییر کرد: نیروهایی از چپ ضدامپریالیست مسئولیت‌هایی مانند ثبت رسمی تجمع، سازماندهی، بسیج و ارتباطات عمومی را برعهده گرفتند، در حالی که شبکه شیعه اسلام‌گرا همچنان در مراسم حضور داشت.

گزارش بر اساس همپوشانی افراد، استفاده از زیرساخت مشترک، بسیج متقابل و حضور اعضای شبکه قدیمی نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان این دو را دو شبکه کاملاً مستقل دانست.

در خود تظاهرات ۲۰۲۶ نیز پرچم‌های جمهوری اسلامی، فلسطین و لبنان و تصاویر رهبران جمهوری اسلامی دیده شد و شعارها به فارسی، عربی و آلمانی سر داده شدند.

در ادامه نیز شعار فارسی «مرگ بر اسرائیل» سر داده شد و پلیس راهپیمایی را متوقف کرد.

بر این اساس می‌توان گفت که پوشش سیاسی و تبلیغاتی بیرونی تا حدی از نیروهای اسلام‌گرای شیعه به سمت نیروهای چپ و فلسطین‌گرا منتقل شده، در حالی که هسته ایدئولوژیک و شبکه سازمانی قبلی همچنان حضور دارد.

توان بسیج جمهوری اسلامی

گزارش نشان می‌دهد که برخی شبکه‌ها توان بسیج در حد چندصد نفر دارند. برای نمونه:

- راهپیمایی روز قدس ۲۰۲۴ فرانکفورت: حدود ۷۰۰ نفر؛
- تجمع ۸ مارس ۲۰۲۶: حدود ۵۵۰ نفر؛
- راهپیمایی روز قدس ۱۴ مارس ۲۰۲۶: حدود ۳۰۰ نفر.

این اعداد به هیچ وجه نشان‌دهنده توان نهایی بسیج هواداران جمهوری اسلامی در آلمان نیستند. گزارش نیز استدلال نمی‌کند که تعداد زیاد است، اما اهمیت امنیتی را بیشتر در رادیکالیسم، شبکه‌سازی، توان انتقال روایت و پیوند میان محیط‌های مختلف می‌بیند.

بنابراین می‌توان گفت مسئله فقط این نیست که «چند نفر به خیابان می‌آیند»، بلکه این است که همین چندصد نفر چه شبکه‌ای را نمایندگی می‌کنند، با چه گروه‌هایی ارتباط دارند و چه پیام‌هایی را وارد فضای عمومی جامعه آلمان می‌کنند.

پرچم جمهوری اسلامی در تظاهرات

گزارش نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، شبکه‌ها تلاش کرده‌اند پیام خود را از قالب صرفاً شیعی و جمهوری اسلامی‌محور خارج کرده و آن را با مسئله فلسطین و ادبیات ضدامپریالیستی پیوند دهند.

اما در سال ۲۰۲۶، در عین تغییر پوشش سیاسی و سازمانی، پرچم جمهوری اسلامی، تصاویر رهبران جمهوری اسلامی و پرچم‌های فلسطین و لبنان همچنان بخش مهمی از سیمای تظاهرات را تشکیل می‌دادند.

این امر نشان می‌دهد که تغییر تاکتیک لزوماً به معنای تغییر هدف یا مرجع ایدئولوژیک نیست.

پدیده‌ای فراتر از آلمان

گزارش به نمونه‌هایی خارج از آلمان، از جمله فعالیت گروه‌های ضدامپریالیستی اسلامی یا ضدامپریالیستی در هلند، ایرلند و یونان در سال ۲۰۲۶ نیز اشاره می‌کند.

از این نظر می‌توان، به لحاظ تحلیلی، نتیجه‌گیری کرد که آنچه این گزارش در آلمان نشان می‌دهد فقط پدیده‌ای منحصر به این کشور نیست، بلکه بخشی از یک الگوی فراملی همگرایی میان شبکه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی، جریان‌های فلسطین‌گرا و بخش‌هایی از چپ ضدامپریالیست است.

توصیه‌های گزارش

گزارش در بخش پایانی توصیه‌هایی را مطرح می‌کند، از جمله:

- گسترش نگاه امنیتی از انجمن‌های رسمی به شبکه‌های غیرمتمرکز؛
- توجه بیشتر به «پُل‌ها» و افراد واسط میان محیط‌های اسلام‌گرا و سیاسی؛
- مقابله با تأمین مالی خارجی ساختارهای افراطی؛
- بررسی و گسترش تحریم‌ها علیه افراد و سازمان‌های وابسته به جمهوری اسلامی؛
- اخراج یا اعلام «عنصر نامطلوب» برای برخی عوامل جمهوری اسلامی؛
- اجرای قاطع ممنوعیت‌های موجود علیه حماس، حزب‌الله و گروه صامدون؛
- نظارت بر سفرهای مرتبط با شبکه‌های جمهوری اسلامی؛
- و تلاش برای قرار گرفتن کل حزب‌الله در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا.

جمع‌بندی تحلیلی

اگر بخواهیم یافته‌های گزارش را در یک تصویر کلی جمع کنیم، می‌توان چنین گفت:

ممنوعیت یک مرکز، پایان یک شبکه نیست

ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ در سال ۲۰۲۴ به شبکه جمهوری اسلامی ضربه زده، اما شبکه را از بین نبرده است.

شبکه‌ها می‌توانند مرکز خود را از هامبورگ به فرانکفورت منتقل کنند، بخشی از کارکردهای خود را به شبکه‌های آذری ـ ترک یا ترک بسپارند و حتی برای انتقال پیام‌های خود از بازیگران سیاسی خارج از محیط اسلام‌گرایی استفاده کنند.

با تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ، ساختار متمرکز و مهمی از میان رفته است، اما شبکه‌های نسبتاً مستقل ایرانیِ وابسته به حکومت، لبنانی، آذری و ترک باقی مانده‌اند. پس از کاهش نقش هامبورگ، فرانکفورت اهمیت بیشتری پیدا کرده و شبکه‌های «غیرمتمرکز فراملی»، عمدتاً متمرکز بر شیعیان دوازده‌امامی، توانسته‌اند بخشی از خلأ ایجادشده را پر کنند.

بخشی از چپ ضدامپریالیست

تحول مهم‌تر، همگرایی و همراهی میان شبکه اسلام‌گرای شیعه و بخشی از چپ ضدامپریالیست است که ساختارمندتر و مستمرتر شده است.

ساختار و تقسیم کار احتمالی فعلی

مشاهده فعالیت های این شبکه ها تصویری ارائه می دهد که می توان از آن طریق، به لحاظ تحلیلی، نوعی تقسیم کار احتمالی (غیر رسمی) را حدس زد:

- **هسته ایدئولوژیک و مرجع سیاسی:** جمهوری اسلامی و ایدئولوژی اسلام‌گرایی شیعه دوازده‌امامی؛
- **تأمین مالی و پوشش اصلی تبلیغاتی:** جمهوری اسلامی؛
- **بخشی از ساختار سازمانی و مذهبی علنی:** شبکه‌های ایرانی (وابستگان رژیم)، لبنانی، آذری ـ ترک و ترک؛
- **بخش‌هایی از نیروی میدانی و اجتماعی:** گروه‌های شیعه و برخی نیروهای فلسطین‌گرا و ضدامپریالیست؛
- **رابطین یا پُل انتقال به محیط‌های غیرمذهبی:** فعالان و سازمان‌هایی از چپ ضدامپریالیست که روایت‌های جمهوری اسلامی را در قالب مفاهیمی مانند «مبارزه با امپریالیسم»، «مقاومت» و «فلسطین» بازتعریف می‌کنند.

نمونه برجسته این وضعیت، روز قدس ۲۰۲۶ در فرانکفورت است؛ جایی که بخش‌هایی از چپ ضدامپریالیست نقش مهمی در سازماندهی و ارتباطات عمومی داشتند، اما شبکه شیعه اسلام‌گرا نیز همچنان در صحنه حضور داشت و نمادها و پیام‌های اصلی آن، از جمله پرچم جمهوری اسلامی و تصاویر رهبران رژیم، باقی ماند.

هرچه حمایت مستقیم از جمهوری اسلامی دشوارتر باشد، استفاده از پوشش‌هایی مانند فلسطین، مخالفت با اسرائیل و مبارزه با امپریالیسم برای ایجاد ائتلاف اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما باید توجه داشت که مسئله فقط شمار شرکت‌کنندگان نیست. اهمیت امنیتی این شبکه‌ها، همان‌گونه که گزارش نیز تأکید می‌کند، در رادیکالیزاسیون ایدئولوژیک، نفوذ سیاسی، قطبی‌سازی اجتماعی و توان انتقال روایت‌های اسلام‌گرایانه به محیط‌هایی است که خود شبکه‌های اسلام‌گرا به آنها دسترسی محدودی دارند.

انزوای جمهوری اسلامی

این شبکه که از سوی جمهوری اسلامی ایجاد و هدایت شده است، با وجود چند دهه فعالیت، زیرساخت گسترده، منابع مالی قوی و تبلیغات، هنوز قادر به ایجاد یک بسیج گسترده اجتماعی در حمایت مستقیم و آشکار از جمهوری اسلامی در میان ایرانیان حامی رژیم در آلمان یا حتی در میان وابستگان و حامیان غیرایرانی آن نیست.

تجمع‌های مورد بررسی در گزارش عمدتاً در محدوده چندصد نفر قرار دارند. حتی بزرگ‌ترین نمونه مورد اشاره، یعنی حدود ۷۰۰ نفر در سال ۲۰۲۴، در قالب یک راهپیمایی با محوریت «غزه» و «فلسطین» شکل گرفت، نه یک بسیج مستقیم و مستقل در حمایت از جمهوری اسلامی.

نکته مهم در این مورد این است که شبکه‌ای نسبتاً کوچک با پرهیز آگاهانه از خشونت، می‌تواند از طریق بازیگران واسط، پیام‌های خود را به محیط‌هایی برساند که خود شبکه اسلام‌گرا به آنها دسترسی محدودی دارد. و این، همان چیزی است که جمهوری اسلامی امکانش را ندارد.

پرسش‌هایی که گزارش پاسخ نمی‌دهد

گزارش مشخص نمی‌کند - چرا با توجه به جایگاه محوری روز قدس در شبکه‌ای که گزارش توصیف می‌کند -، در توصیه‌های خود درخواست ممنوعیت روز قدس و ممنوعیت فعالیت گروه‌هایی که از آنها نام برده را وارد نکرده است. البته مشخص است که چنین روندی به لحاظ قانونی و اداری پیچیده و زمان‌بَر است، اما موضوع می‌تواند جدا از ملاحظات تکنیکی، تخصصی و حقوقی نیز دنبال شود.

نویسندگان گزارش در مورد روز قدس آن را بیشتر به‌عنوان نمونه‌ای برای نشان دادن سازوکار شبکه‌سازی و همگرایی نیروها به کار گرفته‌اند، نه به‌عنوان موضوعی که راه‌حل اصلی آن الزاماً ممنوعیت خود مراسم باشد.

حال آنکه روز قدس در آلمان، جدا از آنکه یکی از مهم‌ترین بسترهای تاریخی سازماندهی شبکه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی بوده، در آن شعارهایی علیه اسرائیل سر داده شده، تصاویر رهبران جمهوری اسلامی و در مواردی شعارهای آشکار ضدیهودی یا نابودی اسرائیل مطرح شده است.

فراخوان‌های روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، و علی خامنه‌ای، جانشین او، برای نابودی و محو اسرائیل و تأکید آنها بر استفاده از روز قدس برای رساندن این پیام به جهانیان، هنوز در آرشیوها موجود هستند. فقط برای نمونه:

- اهداف سیاسی- ایدئولوژیک خمینی از اعلام روز قدس: سخنان خمینی در نخستین روز قدس در سال ۱۳۵۸؛
- سخنان خمینی در سال ۱۳۶۱ درباره «محو شدن اسرائیل از صفحه روزگار»: «ما می‌گوییم اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است.»؛
- توضیح خامنه‌ای درباره معنای «محو اسرائیل».